

## سیر اسلام‌شناسی در غرب

بیشتر نویسندگان و دین پژوهان اروپایی، مدعی پژوهش دین از دیدگاه علمی اند و مراد آنها از دیدگاه علمی، علم به معنای غربی و حصولی آن است که از دریافت دین و بالخصوص اسلام محجور و محجوب است، ژاک واردنیبرگ نویسنده مقاله زیر نیز از این عطا مصون نیست و دین مبین اسلام را از دیدگاه علمی به معنای محدود امروزی غربی نگریسته است. آنچه ضرورت طرح و درج این گونه مقالات را فراهم می آورد، نه تبلیغ باورهای اسلام پژوهان غربی بلکه آشنایی با نظریه ها و شناسایی عطاها برای روبرویی با این عطاهاست. بخصوص که در برخی موارد از جمله این مقاله که در دایرةالمعارف دین آمده است - مطالب ایشان مورد ارجاع بخش بزرگی از پژوهندگان و علاقه مندان به این مقوله است. با این امید که محققان و نویسندگان ما در زدودن پندرها و باز تابش چهره راستین اسلام در رسانه های جهانی بیشتر بکوشند.

بر اساس این تمایزاتی که گفتیم، می توان سه اقدام و کشاوری گوناگون را که تحت عنوان عام اسلام قرار می گیرند از یکدیگر تشخیص داد:

۱- مطالعه هنجاری<sup>۱</sup> دین اسلام، که عموماً از سوی مسلمانان به منظور کسب معرفت پیرامون حقیقت دینی صورت می پذیرد. این نوع مطالعه شامل مطالعه علوم دینی اسلامی می شود یعنی علم تفسیر، علم حدیث، علم فقه و علم کلام. این علوم بطور مستقیم در مساجد و حوزه های دینی (مدرسه های علوم دینی) دنبال می شد اما امروزه معمولاً در دانشگاه های حقوق دینی (شریعت) و علوم دینی و دانشگاهها یا مؤسسات اسلامی خاصی در کشورهای مسلمان آموزش داده می شود. اما باید توجه داشت که مطالعات هنجاری درباره اسلام می تواند توسط غیر مسلمانان نیز انجام گیرد، مانند مسیحیانی که قصد دارند بین مسلمانان به تبلیغ دینی بپردازند یا آنان که می خواهند الهیات ادیان را پدید بیاورند که اسلام نیز در آن جایگاه ویژه ای خواهد داشت.

۲- مطالعه غیر هنجاری<sup>۲</sup> دین اسلام، که معمولاً در دانشگاهها صورت می گیرد که هم شامل آن چیزی می شود که مسلمانان آن را اسلام حقیقی می پندارند (علوم دینی اسلامی بطور

به آرمانهای خود می دهند و حقیقتی که در آنها می شناسند، تفاوت دارند.

این تمایز مشابه بین عمل و آرمان، واقعیت و معنای (ذهنی) داده ها و اطلاعات دینی را نه تنها به منظور تحلیل و شناخت بلکه همچنین به منظور ارزیابی و مقایسه معتبر با یک همواره حفظ نمود. اعمال را با اعمال و آرمان ها را با آرمان ها می توان مقایسه نمود، اما عملی خاصی در یک دین را نباید با آرمان مربوط به همان عمل خاص در دین دیگر مقایسه کرد.

بعلاوه، از دیدگاه علمی هیچ دلیلی نداریم که بگوییم جامعه اسلامی خاصی اسلام را به عنوان یک هنجار و یک آرمان بهتر از جامعه اسلامی دیگری ارائه می دهند. ما باید با گزارش عقاید و اعمال گوناگونی که در یک گروه اسلامی یا گروهی دیگر وجود دارد و با تلاش برای تبیین تفاوت ها و کشف نتایج و پیامدها جلو برویم. حقیقت جاودان و ابدی اسلام در همه زمانها و مکانها هر چه می خواهد باشد، اما در یک تحقیق علمی ما باید خود عقاید و اعمال مسلمانان را در زمان ها و مکانهای مختلف آنگونه که خود را به ما نشان می دهند مورد مطالعه قرار دهیم.

حوزه مطالعات اسلامی

اسلام شناسی عبارتست از مطالعه دین اسلام و جنبه های اسلامی فرهنگ ها و جوامع مسلمان. در آغاز باید دانست که خود واژه اسلام نزد مسلمانان مؤمن و محققان معنایی بسیار متفاوتی دارد. اسلام برای مؤمنان یک هنجار و یک آرمان است. برای محققان (مسلمان و اسلام شناسان غیر مسلمان) اسلام موضوع مطالعه و نمادی است که تحقیق خود را پیرامون آن متمرکز می کنند. همچنین برای توده مردم مغرب زمین که ناظران بیرونی هستند و نسبت به امری که آن را خارجی بدانند احساسات خاصی نشان می دهند، اسلام معنای متفاوتی دارد. با توجه به گسترش معنای اسلام، باید بین اسلام هنجاری (یعنی احکام و فرائض، هنجارها و ارزشهایی که از سوی امت اسلامی به عنوان تبلور هدایت الهی شناخته می شوند) و اسلام واقعی (یعنی تمامی شکلها و حرکات و اعمال و عقایدی که در واقعیت در بسیاری از جوامع مسلمان در زمانها و مکانهای مختلف وجود داشته اند) تمایز دقیقی قائل شویم. به عبارت دیگر، اطلاعاتی که به منظور شناخت عالمانه اسلام عرضه می شوند، همان شناخت هایی نیستند که مسلمانان به عنوان پیروان اسلام نسبت به آرمانهای خویش دارند و به آنها نسبت می دهند. این اطلاعات با معنایی و مفاهیمی که مسلمانان

نیکلسون تحقیقات خود را در مورد چند اثر عمده و مؤلفان آنها مانند کتاب مثنوی و جلال الدین رومی متمرکز ساخت، اما ماسینیون به بررسی سیر تحول اصطلاحات عرفانی پرداخت و اثری چهار جلدی دربارهٔ عارف قرن دهم منصور حلاج پدید آورد. این رشته از مطالعات با تحقیقات آربری دربارهٔ شعر عرفانی و بعدها توسط محققانی مثل آنه ماری شیمل در کتاب ابعاد عرفانی اسلام دنبال شد.

خاص) و هم آنچه که به عنوان اسلام زنده تلقی می‌شود (تجلیات دینی واقعی و علمی مسلمانان). این مطالعه غیر هنجاری دین اسلام می‌تواند هر جا که از ضوابط تحقیق علمی پیروی شود، هم از سوی مسلمانان و هم از سوی غیر مسلمانان انجام گیرد. این نوع مطالعه است که معمولاً «اسلام شناسی» خوانده می‌شود.

۳- مطالعه غیر هنجاری جنبه های اسلامی فرهنگ ها و جوامع مسلمان، که به معنای گسترده تر آنچنان سمت گیری و ارتباطی با خود دین اسلام ندارد. این نوع مطالعه زمینه گسترده تری را مورد نظر قرار می دهد و رویکرد آن به مسائل اسلامی از دیدگاه تاریخ و ادبیات یا مردم شناسی فرهنگی و جامعه شناسی است، نه از دیدگاه خاص مطالعه و بررسی دین.

محور بحث من در این مقاله دو گونه مطالعه غیر هنجاری اسلام است که می توان آن را اسلام شناسی به معنای اخص و اسلام شناسی به معنای اعم نامید. در اسلام شناسی به معنای اخص کانون و محور بحث دربارهٔ هویت و موجودیت خود اسلام است، اما اسلام شناسی به معنای اعم با بخشی از جوامع مسلمان سروکار دارد و از تجربه اسلامی گرفته می شود اما ممکن است واجد اهمیت دینی (اسلامی) خاصی برای گروه های مسلمان معینی نباشد.

در مورد مطالعات مربوط به جوامع خاص مسلمان می توان به يك تمایز دیگر اشاره کرد. از يك سو، ممکن است برخی نگرش های عام اسلامی بطور صریح یا ضمنی در ذهن محقق وجود داشته باشد، حتی اگر تحقیق محدود به يك یا چند وضعیت واقعی باشد. در تحقیقی از این دست که نمی خواهد شصت تخصصی اش را از دست بدهد، اسلام به عنوان يك کل

مجموعی درون افق ذهن محقق قرار دارد. از سوی دیگر، مطالعاتی دربارهٔ جوامع مسلمان يك منطقه خاص و دوره خاص وجود دارد که هیچگونه نگرش عامی از اسلام را مورد توجه قرار نمی دهد. با اینهمه این تحقیق هنوز هم به مطالعات اسلامی به معنای اعم تا حدودی که اسلام شناسان آن را سودمند می یابند، مربوط می شود.

تاریخ اسلام شناسی به معنای اخص ظهور گرایش به مطالعه علمی دین اسلام تا حدی پاسخ انتقادی به تصویرهای متعددی از حضرت محمد (ص) در دین اسلام بطور کلی است که در اروپای قرون وسطا رواج داشت. هر چند که علم و فلسفه اعراب مورد تحسین و تقدیر قرار می گرفت اما اسلام به عنوان بزرگترین رقیب مسیحیت تلقی می شد. نخستین کوشش برای کسب شناختی عالمانه تر از دین اسلام بر مبنای منابع معتبر آن، توسط پتر معظّم، رئیس راهبان کلنی<sup>۵</sup> (۱۱۵۶-۱۰۹۲) صورت گرفت که گروهی از مترجمان را در اسپانیا به کار گرفت و حمایت مالی کرد. یکی از نتایج کار این گروه تدوین نخستین ترجمهٔ قرآن به زبان لاتیسی بود که در سال ۱۱۲۳ توسط رابرت گنتون<sup>۶</sup> به اتمام رسید.

از آغاز قرن شانزدهم، زبان عربی و دیگر زبانهای به اصطلاح اسلامی (بویژه زبان فارسی و ترکی) در دانشگاه های اروپا مورد مطالعه قرار گرفتند و صلاحیت زبانی یکی از پیش شرط های تحقیقات اسلامی بود. پیش شرط دیگر مطالعهٔ جدی تاریخ اسلام بود، که نخستین بار از قرن ۱۶ به عنوان تاریخ ملل مسلمان مخصوصاً ترك ها دنبال شد و بعداً از قرن هیجدهم به عنوان تاریخ دین اسلام مطرح شد که به برکت عصر

روشنگری<sup>۷</sup> با اقبال بیشتری نیز روبرو گردید. توصیف عینی اسلام بر پایهٔ منابع و آثار مسلمانان که توسط آدرین رنالد<sup>۸</sup> در کتابش به نام «کتابشناسی دین محمدی»<sup>۹</sup> (۱۷۰۵، چاپ دوم، ۱۷۱۷) انجام گرفت براساسی اثری در خود اعتناست. این گونه رهیافت ها موجب پیدایش رشته ای به عنوان اسلام شناسی شد که بر پایهٔ نقد متون<sup>۱۰</sup> و تحلیل تاریخی مبتنی بود و قصد داشت که تاریخ اسلام و فرهنگ اسلامی را تدوین کند. اسلام شناسی به عنوان يك رشته علمی جدید تقریباً در اواسط قرن نوزدهم، با انتشار زندگینامه های از حضرت محمد (ص) توسط گوستاوویل<sup>۱۱</sup> (۱۸۲۳)، ویلیام مویر<sup>۱۲</sup> (۱۸۶۱، تجدید چاپ ۱۹۱۲) و الویس اشپرنگر<sup>۱۳</sup> (در ۳ جلد، ۱۸۶۵-۱۸۶۱) ظهور یافت. مطالعات اولیه دربارهٔ قرآن عبارت بودند از «درآمدی تاریخی و انتقادی بر تاریخ قرآن» (۱۸۲۴، چاپ دوم ۱۸۷۸)، «تفسیر تئودور تولدکه»<sup>۱۴</sup> به نام تاریخ قرآن (در دو جلد، ۱۸۶۰، چاپ دوم ۱۹۰۹، ۱۹۳۸) و آثار آلفرد فون کرم<sup>۱۵</sup> تاریخ افکار حاکم بر اسلام (۱۸۶۸) و تاریخ فرهنگی سرزمین های اسلامی (۱۸۷۳) اینها نخستین کوشش هایی بودند که دربارهٔ تاریخ اسلام به منزلهٔ يك کل عرضه گشتند.

اسلام شناسی به عنوان بخشی از شرق شناسی سیر تحول اسلام شناسی در قرن نوزدهم بخشی سیر تحول عام مطالعات شرقی بود که غالباً «شرق شناسی»<sup>۱۶</sup> خوانده می شد. این تلاش هر چند که تلاش یکجانبه بود و تصاویر فرهنگی رایج «شرق» در آن نقشی گریز ناپذیر ایفا می کرد، اما نخستین مواجههٔ عقلانی جدی ای بود که بین اروپا و يك تمدن دیگر پدید آمد. مطالعات شرقی عمدتاً از مطالعات کلاسیک قرن شانزدهم سر مشق می گرفت که بر زبان شناسی<sup>۱۷</sup>، به معنای وسیع کلمه مبتنی بود، یعنی بر اساس متون يك فرهنگ خاص به مطالعهٔ آن فرهنگ می پرداخت. مطالعات اسلامی به این معنا منجر به شرح و تفسیرهای غیر هنجاری دربارهٔ دین اسلام شد که در بالا به آن اشاره گردید. این رشته همواره رشتهٔ دشوار و توانفرساین بود که برای ورود به آن شرایطی لازم بود از قبیل مطالعهٔ وسیع زبان عربی و دیگر زبانهای اسلامی<sup>۱۸</sup> که بر پایهٔ آن بتوان به چاپ



نگارنویسی از مسجد جامع اصفهان

نسخه ها و مشون خطی اقدام نمود، دانستن روش نقد متون و تاریخ ادبیات، آشنایی با مشون نیز به نوبه خود پیش شرطی برای مطالعات بیشتر در تاریخ اسلام بود. تحقیق در متون، تاریخ و مردم شناسی به همراه بررسی و مطالعه تجلیات اسلام در هنر، معماری و حیات دینی امروز مسلمانان در مجموع زمینه را برای مطالعه فرهنگ اسلامی و دین اسلام آماده می کند.

در سنت شرق شناسی، مطالعات اسلامی را به عنوان رشته ای فرهنگی تلقی می کردند که نشانگر ادعاهای تمدن غربی در مورد برتری این تمدن و تفوق علمی آن بود. معمولاً با تعصیب قوم مدارانه نسبت به فرهنگ اروپایی، بر تفکیک و تمایز آن از تمدن اسلامی تأکید شده است. صرف نظر از ریشه ها و عوامل آن، می توان در مرحله کلاسیک مطالعه در تمدن اسلامی نوعی مزیت و برتری را تشخیص داد که این مزیت را می توان در دیگر شاخه های مطالعات شرقی نیز مشاهده نمود. تخصصی شدن فزاینده علوم موجب پدید آمدن مطالعات مفصل و گسترده گردید و آرمان دستیابی به شناخت جامع و همه جانبه اسلام به تنظیم و بسادگیری حجم شگفت آوری از واقعیت ها تنزل یافت. همانگونه که کثرت و فزونی واقعیات در مطالعات شرقی تا حدی یک سمت گیری «پوزیتیویستی» به مطالعات اسلامی بخشیده است، رویکرد به دین اسلام نیز اساساً مبنی بر اثبات واقعیت های تاریخی بوده و توجه اندکی به معنای این واقعیت ها یعنی مسأله تفسیر این داده ها مبدول گشته است.

#### مطالعه غیرهنجاری دین اسلام

تاریخ دین اسلام به سه شیوه مورد بحث قرار گرفته است. شمار فراوانی از مورخان روشی را که جولیبوس ولهاوزن<sup>۱۸</sup> (۱۹۱۸-۱۸۴۴) در آثار متعددش درباره دوران نخستین اسلام در پیش گرفته بود دنبال کردند، اینان مطالعات خود را پیرامون تاریخ بیرونی اسلام متمرکز ساختند. مورخان بعدی مانند کلسودکاهن<sup>۱۹</sup> و برناردلویس<sup>۲۰</sup> نشان داده اند که نهادها و نهفت های اسلامی را در ارتباط با زمینه های اقتصادی، اجتماعی و تاریخ سیاسی آنها تا چه اندازه می توان مورد تبیین و توضیح قرار داد.

نوع دیگری از تحقیق تاریخی وجود دارد که بیشتر پیرامون آن چیزی است که می توان آن را

تحولات درونی دین اسلام و فرهنگ اسلامی نامید. این رهیافت توسط یکی چهره های مهم این رشته، اینگنار گلدزیهر<sup>۲۱</sup> (۱۹۲۱-۱۸۵۰) عرضه شد. او تلاش می کرد تا چارچوب فکری تاریخ اسلام را شناسایی کند. محقق دیگری که در همین راستا کار می کرد، هلموت ریش<sup>۲۲</sup> (۱۹۷۱-۱۸۹۲) بود که پیوندهای درونی میان شماری بزرگ از مفاهیم دینی، بطور عمده مفاهیم کلامی و عرفانی را، آنگونه که در سیر تاریخ پدید آمده و تحول یافته بودند، آشکار ساخت.

بین مورخان عمومی و مورخان دین، مورخان فرهنگی قرون وسطا قرار دارند، کسانی مانند کارل هاینریش بکر<sup>۲۳</sup> (۱۹۳۳-۱۸۷۶) پورگ کرمر<sup>۲۴</sup> (۱۹۶۱-۱۹۱۷) و گوستا و ادموندسون گروتنام<sup>۲۵</sup> (۱۹۷۲-۱۹۰۹) که همه آنان تحولات دینی را در چارچوب وسیعتر فرهنگی قرار دادند که به نوبه خود با تاریخ سیاسی و نظامی نیز ارتباط می یافت، در اینجا باید از اشارت های هاجسن<sup>۲۶</sup> (۱۹۶۸-۱۹۲۱) نیز بسبب تلاشهای او برای گنجانیدن کتب تاریخ اسلام در درون تاریخ فرهنگی جهان، نامی برده شود.

این سه شیوه مطالعه تاریخی در تعداد بسیاری از تحقیقات تاریخی تخصصی پیرامون جوامع خاص مسلمان نشین در گذشته و همچنین در مطالعاتی که درباره تاریخ معاصر جوامع اسلامی به عمل می آید بازتاب یافته است.

در اینجا ناگزیریم که بحث خود را به اشاراتی در مورد نکات عمده تاریخ تحقیق درباره موضوعات گسترده محدود ساخته و فقط به برخی از نامها اشاره کنیم و برخی دیگر را که به هیچ وجه از اهمیت کمتری هم برخوردار نیستند حذف

نماییم. (موضوعاتی که در زیر می آیند توسط چارلز آدامز<sup>۲۷</sup> در سال ۱۹۷۶ در تحقیقی به نام «سنت دینی اسلامی» تنظیم یافته است).

#### تحقیقات مربوط به زندگی پیامبر (ص)

از هنگام انتشار زندگینامه های قرن نوزدهم - که قبلاً بدانها اشاره شد - تاکنون رهیافت های گوناگون و متعددی پدید آمده است. هوریت گریم<sup>۲۸</sup> در کتاب دو جلدی اش به نام «محمد» (۱۸۹۵-۱۸۹۲) شرحی درباره عوامل اجتماعی مؤثر در زندگی پیامبر عرضه کرد و بر شخصیت پیامبر به عنوان یک مصلح اجتماعی تأکید نمود، فرانتس بوهل<sup>۲۹</sup> همه مواد و اسناد تاریخی موجود در زمان خودش را برای تألیف یک شرح حال معتبر و اساسی به نام «زندگی محمد» (۱۹۳۰)، چاپ دوم (۱۹۵۵) گردآوری کرد. بعدها نور آندرا به بررسی دیدگاههای مسلمانان درباره حضرت محمد به عنوان یک پیامبر و شخصیتی نمونه پرداخت و کتابی به نام «شخصیت محمد از دیدگاه پیروانش» نگاشت. اثر دو جلدی موننگمیری وات<sup>۳۱</sup> به نام محمد در مکه (۱۹۵۳) و محمد در مدینه (۱۹۵۶) که توجه خود را به تحولات اجتماعی و اقتصادی عربستان (مکه) که پیامبر در مدت رسالت پیامبرانه اش پدید آورد معطوف ساخته است، پیشرفت مهمی در ثبت و نگارش محیط زندگی و فعالیت پیامبر بود. اثر تأمل برانگیز ماکسیم رودنون<sup>۳۲</sup> به نام «محمد» (۱۹۶۱)، ترجمه انگلیسی (۱۹۷۱) از دیدگاه مشابهی به تفسیر اطلاعات تاریخی می پردازد اما تحلیل بعد روانشناختی را نیز بر آن می افزاید. پس از گذشت مرحله ای در تحقیقات مربوط به زندگی پیامبر که در ضمن آن عالمان یهودی بر تأثیرات یهودیان و عالمان منبجی و مسیحیان در

اسلام شناسی به عنوان یک رشته علمی جدید تقریباً در اواسط قرن نوزدهم، با انتشار زندگینامه هایی از حضرت محمد (ص) توسط کوستاوویل، ویلیام مویر، و الویس اشپرنگر ظهور یافت.

— متعاقباً این مساله روشن گشت که سنن فلسفی کهن دیگری با ماهیت کنوسی تری در اسلام وجود دارند. این نوع فلسفه را می توان در حوزه های فلسفی شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان هفت امامی در ایران سراغ گرفت. ما این کشف را مدیون تحقیقات هانری کربن هستیم.

(۱۹۳۸). ترجمه آلمانی ارزشمند رودی پارت<sup>۱۱</sup> (۱۹۶۲) متعاقباً تفسیر گرانقدر او را از قرآن به همراه داشت (۱۹۷۱). اثر ارزنده دیگری در این مورد کتاب انگلیکا نیوویرت<sup>۱۲</sup> می باشد. تحت عنوان تحقیقی پیرامون نگارش سوره های مکی (۱۹۸۱). کتاب جان وانسیرو<sup>۱۳</sup> به نام بررسیهای قرآنی (۱۹۷۷) نظریه رایج در مورد ترتیب جمع آوری قرآن را مورد تردید قرار داده است. این نکته شایان ذکر است که در حالی که در مورد جنبه های نقد متون، زبانی و ادبی قرآن پیشرفت عظیمی حاصل شده است، اما مطالعه و بررسی مضامین، نگرش ها و جهان بینی آن، یعنی بحث از معنایی آن تازه در آغاز راه است. تحلیل های معنی شناسی<sup>۱۴</sup> توشی هیکوایزوتسو<sup>۱۵</sup> درباره قرآن به نام ساختار مفاهیم اخلاقی در قرآن (۱۹۵۹، تجدید چاپ ۱۹۶۶) و کتاب او به نام خدا و انسان در قرآن (۱۹۶۲) نقش بی سابقه و پیشگامانه ای ایفا نموده است. نیاز به گفتن ندارد که مطالعات نقادانه درباره قرآن و پیامبر موجب برانگیختن حساسیت هایی در مسلمانان شده است که تا حد زیادی شبیه به آن حساسیت هایی است که مسیحیان انجیل گرا در مقابل بکارگیری روش نقد متون در مورد کتاب مقدس از خود نشان می دادند. مطالعه قرآن اشاره به همان چیزی دارد که مسلمانان معاصر آن را تفسیر می نامند. بنگرید به کتاب هلموت گاتزه<sup>۱۶</sup> قرآن و تفسیرهای قرآن (۱۹۷۱) و سا اثر محمد آرکسون<sup>۱۷</sup> به نام سخنرانیهای درباره قرآن (۱۹۸۲) مقایسه کنید.

مطالعات مربوط به حدیث

اثر انتقادی گلندزهر به نام بررسیهای درباره اسلام (دو جلد ۱۸۹۰، ترجمه انگلیسی ۱۹۷۱)

شخصیت پیامبر تکیه می کردند، اکنون دوره ای در تحقیقات غربی آغاز شده است که بر اصالت و اعتبار موقیت های پیامبر و استقلال شخصیت او تأکید می کند. زندگینامه هایی که خود مسلمانان درباره پیامبر نوشته اند آنچنان فراوان و بیشمار است که نمی توان در اینجا فهرست کاملی از آنها ارائه داد. یکی از آثار کلاسیک در این مورد از آن ابن اسحاق (درگذشته به سال ۷۶۷) است که توسط آلفرد گیلوم<sup>۱۸</sup> به نام زندگی محمد ترجمه شده است (۱۹۵۵). مسابقات<sup>۱۹</sup> بسرخسی از زندگینامه های جدیدی را که مصریان درباره پیامبر نوشته اند در کتابش به نام شروع معاصر درباره زندگی محمد بن عبدالله پیامبر مورد مطالعه قرار داد (۱۹۵۰-۱۹۳۰ و ۱۹۸۲).

مطالعات مربوط به قرآن

پس از ترجمه مهم جورج سبیل<sup>۲۰</sup> (۱۷۳۶-۱۶۹۷) به انگلیسی که در سال ۱۷۳۲ همراه با یک بحث مقدمانی<sup>۲۱</sup> معروف انتشار یافت، تعداد زیادی از ترجمه های قرآن به چاپ رسیده است. از میان آنها این ترجمه ها شایان ذکر است: ترجمه ریچارد بیل<sup>۲۲</sup> (۱۹۳۷) آرتور جفری آبروی<sup>۲۳</sup> (۱۹۵۵)، مارمادوک پیکتال<sup>۲۴</sup> (۱۹۳۰)، که این آخری را مسلمانان به رسمیت شناخته اند. مطالعه کلاسیک متن قرآن همچنان از آن اثر شادور نولدکه است که در کتاب سه جلدی اش (چاپ دوم ۱۹۳۸-۱۹۰۹) که بعدها با افزایش و بازنگری به کمک همکارانش تجدید چاپ یافت، به این موضوع پرداخته است. آرتور جفری<sup>۲۵</sup> دو تحقیق مهم در این زمینه منتشر ساخته است، تاریخ گردآوری متن قرآن (۱۹۳۷) و واژه های بیگانه در قرآن

با توجه به اطلاعات تاریخی عرضه شده در آن در مورد احادیث منسوب به پیامبر اسلام یا اصحاب او که در حقیقت ساخته های دست اشخاص بعدی بوده اند اخیراً توسط ژوزف شاخت<sup>۲۸</sup> (۱۹۶۹-۱۹۰۲) در اثرش به نام منابع فقه اسلامی<sup>۲۹</sup> (۱۹۵۰) مورد پیگیری بیشتری قرار گرفت و منجر به پیدایش بحثهایی بین مسلمانان و پژوهشگران غربی درباره اعتبار این احادیث گردید. تحقیق دیگری در این مورد اثر فواد سزگین<sup>۳۰</sup> است که در جلد نخست تاریخ التراث العربی به چاپ رسیده که موجب تجدید نظر در انتقادهای افراطی گلندزهر و شاخت شده است، هر چند او نیز به کذب پاره ای از احادیث منسوب به پیامبر اذعان دارد، از آنجا که سنت (که شامل حدیث نیز هست) و پس از قرآن، دومین منبع شناخت دین و احکام اسلامی است در اینجا نیز مسلمانان به ویژه نسبت به نقادی های علمی بیگانگان بسیار حساس هستند. در این مورد بنگرید به اثر جویین بل<sup>۳۱</sup> تحت عنوان اعتبار منابع حدیثی؛ بحثهایی درباره مصدر جدید (۱۹۶۹)

مطالعات مربوط به فقه

ساختار احکام شرعی در اسلام و شکل مطلوب آن و قواعد استنباط فقهی توسط فقهای مسلمان نخستین بار از سوی گلندزهر و کریستیان استونک هورگروئز<sup>۳۲</sup> (۱۸۵۷-۱۸۳۶) مورد تبیین قرار گرفت که هورگروئز به مطالعه کاربرد فقه اسلامی در مقایسه با قوانین رایج عرفی در اندونزی پرداخت. مطالعات عمیقتر در این زمینه توسط کسانی مانند ادوارد ساشو<sup>۳۳</sup> (۱۸۴۵-۱۹۳۰)، گوتلف برگشتراسر<sup>۳۴</sup> (۱۸۸۶-۱۹۳۳) و مخصوصاً ژوزف شاخت انجام شد که شاخت خلاصه ای از مطالعاتش را در کتاب مقدمه ای بر فقه اسلامی (۱۹۶۲) به چاپ رساند. گرایشهای جاری در کشورهای اسلامی در مورد اسلامی کردن امور، دوباره علاقه به جنبه های فقهی را زنده ساخته است. در بین کسانی که مورد تحولات اخیر در بکارگیری و اجرای احکام شرعی در کشورهای جدید اسلامی به تحقیق پرداخته اند کسانی مثل آندرسون<sup>۳۵</sup> و نوتل کولسن<sup>۳۶</sup> در این میان شایسته ذکرند.

مطالعات مربوط به علم کلام

تنها در قرن بیستم بود که اصالت تفکر کلامی



کتابش بنام *مدینه اسلامی* (۱۹۵۴) کوشید تا شرح فشرده ای از اصول حاکم بر جامعه آرمانی اسلامی بر پایه راست دینی اسلامی ارائه دهد. در حالیکه گیب<sup>۷۶</sup> و هارولد برون<sup>۷۷</sup> کوشیدند تا در فصلهای ۱ و ۲ کتاب *جامعه اسلامی* و *غرب* (۷-۱۹۵۰) تا به ویژه با توجه به فرآیند نوسازی و تجدد مآبی به ترمیم ساختار دینی جوامع اسلامی قرن هیجدهم بپردازند. توجه زیادی به نقش علمای دین و مشایخ تصوف با توجه به نقشهای متفاوتی که در جامعه دارند مبذول شده است. کتاب *علمای دین، اولیاء و عرفاء* که توسط نیکی کیدی<sup>۷۸</sup> (۱۹۷۲) ویرایش شده بسیاری از این تحقیقات را که در دهه نخست سال ۱۹۷۰ انجام گرفته منعکس می سازد. اثر مهم دیگری که در این زمینه منتشر شده کتاب اکل<sup>۷۹</sup> تحت عنوان *مصر، اسلام و تحول اجتماعی: الازهر در تعارض با مقتضیات زمان* (۱۹۸۴) است. همچنین بنگرید به: کتاب *میشل ویلسن*<sup>۸۰</sup> به نام *شناخت اسلام: مقدمه یک مردم شناس* (۱۹۸۲) و کتاب *مشکلات اسلام: مصلحان، مقلی گرایان و صنعتی شدن* که توسط ارنست گلنر و سرباش شده است (۱۹۸۵).

#### مطالعات مربوط به زندگی مسلمانان

مسافران و جهانگردانی مانند کریستیان استوک هورگرویز و مردم شناسانی مانند ادوارد وسترمارک<sup>۸۱</sup> (۱۹۳۹-۱۸۶۲) قبلاً در قرن نوزدهم گزارشهایی درباره زندگی عملی مسلمان ارائه کرده بودند و این نوع تحقیق عمدتاً از طریق تلاشهای مردم شناسان در قرن بیستم بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. برای مثال، رادولف کریس<sup>۸۲</sup> و هوریت کریس<sup>۸۳</sup> - هایتریش کتاب کوچکی درباره اسلام عامیانه نوشتند به نام

اثر *عمده و مؤلفان آنها* مانند کتاب *مشوری و جلال الدین رومی* متمرکز ساخت، اما ماسینیون به بررسی سیر تحول اصطلاحات عرفانی پرداخت و اثری چهار جلدی درباره عارف قرن دهم منصور حلاج (۱۹۲۲)، ترجمه انگلیسی (۱۹۸۲) پدید آورد. این رشته از مطالعات با تحقیقات آریبری (۱۹۶۹-۱۹۰۵) درباره شعر عرفانی و بعدها توسط محققانی مثل آنه ماری شیمیل<sup>۸۴</sup> در کتاب *ابعاد عرفانی اسلام* (۱۹۷۶) دنبال شد. سلسله های صدوقیان مسلمان نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است، برای مثال می توان از کسانی مانند اسپنسر ترمینگهام<sup>۸۵</sup> و دیوونگ<sup>۸۶</sup> نام برد.

#### مطالعات مربوط به هنر و معماری اسلامی

این حوزه از مطالعات در بین رشته های مربوط به مطالعات اسلامی سزاوار توجه ویژه و دارای منزلتی جداگانه است، زیرا به مسائلی غیر از بررسی متون می پردازد و با تاریخ عمومی هنر مرتبط است. در بین محققانی که در این زمینه شایسته ذکرند باید از کسانی همچون کرسول<sup>۸۷</sup> (۱۹۷۴-۱۸۷۹) و ریچارد اینگهساوون<sup>۸۸</sup> (۱۹۷۹-۱۹۰۶) نام برد و در زمان ما ولگ گرابار<sup>۸۹</sup> و رابرت هیلنبراند<sup>۹۰</sup> شایسته ذکر می باشند. مطالعه این رشته در حال حاضر دارد با تاریخ فرهنگی گسترده تر اسلام وحدت می یابد و در آن ادغام می شود.

#### مطالعات مربوط به نهادهای دینی

در دهه های اخیر پیشرفت چشمگیر و مهمی در زمینه شناخت روابط بین نهادهای دینی اسلامی و جوامعی که این نهادها در آنها نقش ایفا می کنند به عمل آمده است. لویی گارده در

در اسلام (علم کلام) آشکار گردید. یکی از تحقیقات مفید در مورد عقاید اولیه مسلمانان کتاب *عقاید مسلمانان* (۱۹۳۳) نوشته ونسینک<sup>۵۶</sup> است. کتاب *مدخل علم کلام اسلامی* (۱۹۴۸) تألیف جورج فنوانی<sup>۵۷</sup> و لوی گارده<sup>۵۸</sup> مشابهت اساسی رساله های کلامی اسلامی و مسیحی در قرون وسطا را به نمایش می گذارد. این مؤلفان در این کتاب و دیگر آثارشان بر خصالت مدافعه گرانه<sup>۵۹</sup> کلام اسلامی تأکید می ورزند. از سوی دیگر هری ولفسون<sup>۶۰</sup> در کتابش بنام *فلسفه علم کلام* (۱۹۷۶) متوجه مشابهت های بین تفکر کلامی اسلامی مسیحی و یهودی می باشد. مطالعات جدیدی که توسط ریچارد فرانتک<sup>۶۱</sup> و پیترز<sup>۶۲</sup> درباره کلام معتزلی انجام شده است نیز دارای اهمیت می باشد.

#### مطالعات مربوط به فلسفه اسلامی

به دنبال انتشار کتاب مختصر دی بور<sup>۶۳</sup> درباره فلسفه اسلامی تحت عنوان *تاریخ فلسفه در اسلام* (۱۹۰۱)، ترجمه انگلیسی ۱۹۰۳، تجدید چاپ (۱۹۶۱)، فلسفه در اسلام ادامه فلسفه ارسطویی همراهِ با برخی نگرشهای نو افلاطونی تلقی شد. از کارهای مهمی که در این زمینه صورت گرفته اثر ریچارد والترز<sup>۶۴</sup> به نام *از فلسفه یونانی تا فلسفه عربی* (۱۹۶۲) است.

اما متعاقباً این مسأله روشن گشت که سنن فلسفی کهن دیگری با ماهیت گنوسی تری در اسلام وجود دارند. این نوع فلسفه را می توان در حوزه های فلسفی شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان هفت امامی در ایران سراغ گرفت. ما این کشف را مندیون تحقیقات هانری کربن<sup>۶۵</sup> (۱۹۷۸-۱۹۰۳) هستیم که آثار او مانند *اسلام ایرانی* (چهار جلد، ۱۹۷۲-۱۹۷۱) *عوامل منوی نهفته* اما هنوز زنده و الهام بخش را متجلی ساخت. همچنین بنگرید به *عرفان اسلامی از دیدگاه شیعه و علویان*، تألیف هایترهالم<sup>۶۶</sup> (۱۹۸۲).

#### مطالعات مربوط به عرفان

اندیشه و تجربه عرفانی مسلمانان تنها در جریان قرن بیستم توجه جدی عالمان را در غرب به خود جلب کرده است این توجه به ویژه در اثر تألیفات رینولد نیکلسون<sup>۶۷</sup> (۱۹۵۴-۱۸۶۸) و لویی ماسینیون<sup>۶۸</sup> (۱۸۸۳-۱۹۶۲) پدید آمده است. نیکلسون تحقیقات خود را در مورد چند

### مباحث روش شناختی

تا دهه ۱۹۶۰ چنین به نظر می رسید که رشته اسلام شناسی از مناقشات حاد معرفت شناختی بدور است، عمدتاً به این دلیل که الگوهای موروثی تحقیق از طریق سنت علمی جا افتاده بود. با اینهمه گرایشهای دیگری در اسلام شناسی وجود داشته اند که به مدد تحقیق درباره متون از یک دیدگاه وسیعتر فرهنگی و حتی دینی قادر بوده اند که جهان اسلام را به شیوه های نوینی بنگرند، در این مورد کسانی مانند لویی ماسینیون، گوساوفون گرونیا، ویلفرد کتول اسمیت، کلیفورد گریتر قابل ذکرند. ما در اینجا به سه مسأله که اهمیت فوق العاده ای دارند خواهیم پرداخت: ۱) سردیست در هویت و اصالت های اسلامی، ۲) تصدیق فزاینده نسبت به هویت و اصالت های اسلامی، ۳) اسلام به عنوان دین و ایمانی زنده.

### تورید در هویت اسلامی

در بین پژوهشگران غربی که به ارزیابی مجدد آثار سنت اسلامی پرداخته اند جان وانسبرو تحقیقی انتقادی درباره متن قرآن انجام داده است که در اثری از او به نام مطالعات قرآنی - که قبلاً به نامش اشاره کردیم - به چاپ رسیده است. در کتاب جامعه فرقه ای (۱۹۷۸) این تحقیق را به تاریخ دوران نخستین اسلام نیز گسترش داده است. در یک تحقیق مناقشه آمیزتر به نام هاجریم: تکوین جهان اسلام (۱۹۷۷) پاتریشا گرون<sup>۹۲</sup> و میشل کسوک<sup>۹۱</sup> استدلال کرده اند که پیدایش تاریخی دین و تمدن اسلامی را می توان بر پایه شبکه پیچیده روابط یهودیان و اعراب تبیین کرد، در حالیکه استدلال آنها با استقبال اندکی مواجه شده است اما کاملاً می توانند محققان دیگر را به بازنگری نقش اطلاعات تاریخی نادرست آثارشان متوجه سازد.

### تصدیق هویت اسلامی

مشارکت رشد یابنده محققان مسلمان در زمینه مطالعات اسلامی تأثیر متضادی نسبت به آنچه که در بالا در مورد سردیست پیرامون اصالت های اسلامی گفتیم داشته است. قصد و انگیزه در مورد تثبیت هویت و اصالت های اسلامی در کتابهایی مانند: دیدگاههای اسلامی،

مطالعات شرقی عمدتاً از مطالعات کلاسیک قرن شانزدهم سرمشق می گرفت که بر زبان شناسی، به معنای وسیع کلمه مبتنی بود، یعنی بر اساس متون یک فرهنگ خاص به مطالعه آن فرهنگ می پرداخت. مطالعات اسلامی به این معنا منجر به شرح و تفسیرهای غیر هنجاری درباره دین اسلام شد.

کشورهای مسلمان با نگرارش اثر یک جلدی منتشره در سال ۱۹۳۲ به ویرایش گیب با عنوان اسلام به کجا می رود؟ آغاز گشت. کتاب دیگری که توسط همان محقق نگاشته شد گرایشهای جدید در اسلام نام داشت (۱۹۴۷)، ویلفرد کتول اسمیت<sup>۹۳</sup> نیز کتابی به نام اسلام در تاریخ جدید (۱۹۵۷) منتشر ساخت. از آن زمان تاکنون این نکته روشن شده است که برای بررسی تحولات اخیر باید به شرایط کشوری که این تحولات در آن واقع شده است توجه نمود، هر چند می توان الگوهای خاصی را نیز تقریباً برای همه کشورهای اسلامی معتبر باشد تعیین نمود که طبق آنها بشود به تفسیر خاصی که گروههای مختلف و از آن جمله دولت ها از اسلام عرضه می دهند پس برد. کتاب اسلام در زمان حاضر ویراسته و نثر آینده<sup>۹۴</sup> و دو اثنابنایخ<sup>۹۵</sup> (۱۹۸۴) اثر عمده ای در این زمینه است. حوادثی که در انقلاب ایران رخ داده نشان داده است که اسلام شناسان و البته به سنت شرق شناسی به اندازه کافی از تجهیز و صلاحیت و آمادگی برای تفسیر وقایع کشورهای اسلامی برخوردار نبوده اند. از سوی دیگر شاید بتوان کتاب دین در خاورمیانه: سه دین سازگار و ناسازگار (دو جلد ۱۹۶۹)، ویراسته آروبری را به عنوان نمونه ای از شناخت عینی و بیطرفانه درباره سه دین بزرگی که در خاورمیانه در کنار یکدیگر زندگی مسالمت آمیزی دارند بشمار آورد.

### اسلام شناسی به معنای اهم در حال حاضر

چه در اثر تحولات درونی تحقیقاتی علمی و چه از طریق تحولات جاری در کشورهای اسلامی که نیاز به تفسیر دارند، مسائل و مباحث جدیدی در حوزه تحقیقات علمی مربوط به رشته

زندگی نوده مردم در سرزمینهای اسلامی (دو جلد ۱۹۶۰-۱۹۶۲)، کلاوس مولنرینر در اثر خود به نام مطالعات فرهنگی و تاریخی درباره فرقه های اسلامی (۱۹۶۷) به باورهای جاری و اعمال رایج بین فرقه های مختلف اسلامی پرداخت و کوزستانس یادویک<sup>۹۶</sup> در کتاب خود تحت عنوان «عبادات مسلمانان» (۱۹۶۱) به بررسی رساله های مربوط به ادعیه و عبادات و کاربرد عملی آنها در کشور مصر پرداخته است.

در طول دهه ۱۹۶۰ چندین مطالعه مهم درباره شیوه زندگی اسلامی در محیط جوامع اسلامی و بررسی ساختار آن از سوی دانشمندان علوم اجتماعی منتشر شده است که از آن میان می توان از کلیفورد گریتر<sup>۹۷</sup> و کتابش به نام اسلام مشاهده شده (۱۹۶۸) نام برد که در آن به مقایسه ساختارهای اسلامی مراکش و جواره پرداخته است. کتابهای دیگری که در این زمینه شایسته ذکرند یکی کاری است در مورد ساختارهای تصوف تألیف میشل ژیلستان که عرفاء و صوفیه در مصر جدید<sup>۹۸</sup> (۱۹۷۳) نام دارد، دیگری دو اثر از ارنست گلنر است درباره مراکش به نام عرفای جهان (۱۹۶۹)، جامعه مسلمان (۱۹۸۱). آثار متعدد ژاک برك<sup>۹۹</sup> نیز به همین موضوع ارتباط دارد و به جامعه عربی و نقش اسلام در آن می پردازد. آثاری که مربوط به موقعیت زن در جوامع اسلامی می شود به سرعت در حال رشد است. برای نمونه بنگرید به: زن در جهان اسلام، که توسط لوئیس بک<sup>۹۹</sup> و نیکی کندی (۱۹۷۸) ویرایش یافته است.

### تحولات جدید در اسلام

بررسیهای عالمانه تحولات جدید در

مطالعاتی به افتخار سید ابوالاعلی مودودی، ویراسته خورشید احمد و ظفر اسحاق انصاری (۱۹۷۹)، اسلام و جامعه معاصر، ویراسته سالم عزّام (۱۹۸۲)، آشکارا دیده می شود. یکی از مهمترین کمکهای محققان مسلمان تدوین شیوه های شناخت اسلامی و در اختیار نهادن آن برای اسلام شناسان است، بعلاوه تحقیقات آنان منجر به پیدایش بحثهایی در داخل جامعه اسلامی می شود. برای مثال، رهیافت نشانه شناختی محمد آرکون سخنرانیهای درباره قرآن (۱۹۸۳) و مطالعات فضل الرحمن درباره تاریخ تفکر اسلامی، برای نمونه کتاب او به نام نبوت در اسلام: فلسفه و راست دینی (۱۹۷۹) آثاری شایان توجه هستند.

اسلام به عنوان يك دين زنده

گرایشهای روش شناسانه و معرفت شناسانه اخیر تا حدود زیادی مولود گرایش فزاینده به اسلام به عنوان يك دين ايمان زنده می باشد که با برخی مسائل مربوط به همبستگی های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نیز مرتبط است. در نتیجه، معنای رویدادها و جریانهای کشورهای اسلامی باید هر چه بیشتر در چارچوب شرایط فرهنگی و اسلامی این کشورها مورد مطالعه قرار گیرد. سه سوال زیر در اسلام شناسی به معنای اعم از اهدیت فوق العاده ای برخوردارند:

۱- کدام نوع از گروهها تفسیرهای خاص و گوناگونی را حمایت کرده و آنها را به جامعه منتقل می سازند، و رهبران این گروهها چه کسانی هستند؟

۲- چگونه تحولات خاصی در نهادهای دینی (یا در نهادهای مشروعیت یافته از طریق دین) رخ می دهد که تا حدود زیادی با تحولات اجتماعی مرتبط است و تسبیح و آثار این گونه تحولات اجتماعی برای نهادها (شعائر و مناسک) دینی (و برعکس) چگونه است؟

۳- عقاید و اعمال گوناگون اسلامی جدای از معنای دینی خاصی که دارند، چه کارکردهای عام اجتماعی را در جوامع خاص مسلمان تحقق می بخشند؟ چنین سؤالاتی را می توان درباره جوامع مسلمان گذشته نیز مطرح کرد، مشروط بر آنکه اطلاعات تاریخی لازم برای پاسخ دادن به آنها موجود باشد. در واقع، این نشانگر رشد معرفت شناختی است که موضوعاتی که در پنجاه سال گذشته به علت فقدان ابزارهای روش

تاریخ دین اسلام به سه شیوه مورد بحث قرار گرفته است. شمار فراوانی از مورخان روشی را که جولوس و لهاوزن بر آثار متعددش درباره دوران نخستین اسلام در پیش گرفته بود دنبال کردند، اینان مطالعات خود را پیرامون تاریخ بیرونی اسلام متمرکز ساختند. مورخان بعدی مانند کلودکاهن و برنارد لویس نشان داده اند که نهادها و نهضت های اسلامی را در ارتباط با زمینه های اقتصادی، اجتماعی و تاریخ سیاسی آنها تا چه اندازه می توان مورد تبیین و توضیح قرار داد.

نوع دیگری از تحقیق تاریخی وجود دارد که ...

دیگر، موضوعات جدیدی برای تحقیق در اسلام شناسی وارد فضای فکری ما شده است که در زیر به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

### احیاء اسلام

شکلهای مختلف تجدید حیات اسلام در شماری از کشورهای اسلامی مورد توجه ناظران مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفته است. در حالی که مطبوعات به ابعاد سیاسی، خارجی و مرموز و حتی ناسازگار این تجدید حیات توجه کرده اند، تحقیق علمی نیازمند آن است که بر اساس معیارهای اسلامی و معیارهای حاصل از مطالعه علمی دین به تفکیک بخش های مختلف زندگی و اجتماعی که این تجدید حیات در آن رخ می دهد (و همچنین تفکیک بین جنبه های دینی و غیر دینی) آن بسازد. نهضت های اصلاحگرانه و احیاء گرانه پیشین نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

### تبدیل اسلام به ایدئولوژی

در طول صد سال گذشته شمار زیادی از ایدئولوژی های اسلامی پدید آمده اند، دینی که قرنها گمان می شد بر اساس وحی استوار است، اکنون در پاره ای جهات به شکل يك نظام یا ایدئولوژی اسلامی در آمده است که دارای ماهیت معرفتی خاصی بوده و بُعد ايمان و معرفت دینی در آن جای خود را به مجموعه ای از اعتقادات و ارزشهای محدود و معینی داده است. این ایدئولوژی يك کردن اسلام در واقع پاسخی است به نیاز عقلانی کردن دین و شاید اهداف مدافعه گرانه بر علیه تفکر غربی و انتقاد از غرب، مثلاً مبارزه بر علیه گرایشهای دنیوی کردن دین در جامعه نیز در آن مؤثر بوده باشد.

شناختی از قلمرو تحقیق به دور مانده اند، اکنون می توانند در حوزه مطالعات اسلامی وارد شوند. ما اکنون بهتر می توانیم در مورد تمایزات بین معانی دینی و سایر معانی (از جمله معانی سیاسی) اطلاعات اسلامی بیندیشیم و شناخت بهتری نسبت به جاذبه هایی که عقاید و اعمال اسلامی خاص برای برخی گروههای مشخص می تواند داشته باشد، شناخت بهتری کسب کنیم.

### سنت به معنای گسترده تر

مفهوم سنت نیز در مطالعات اسلامی، چه در بین مورخان و چه مردم شناسان در مورد تفسیری که نسلهای متوالی مسلمانان از زندگی، جهان و تاریخ و جامعه ای که در آن تولد یافته اند، در چارچوب دینی و فرهنگی خاص با «سنت» بدست داده اند کاوش می کنند توجه جدیدی را به خود جلب کرده است، از يك سو با سنت هنجاری «بزرگ» روبرو هستیم که عناصری از قرآن گرفته تا بخشهایی از شریعت، عقاید مخصوص، اعمال عبادی، شیوهیستای نمونه و مقاطع خاص در تاریخ اسلام را شامل می شود. از سوی دیگر، برای مطالعه هر منطقه ای، ما باید عناصری از سنت «کوچک» محلی و بومی آن منطقه را اضافه کنیم که شامل اموری است مثل وقایع افسانه آمیز در تاریخ آن منطقه، معجزات و کرامات اولیاء خاص آن محل، آثار برخی کارهای ارزشمند و تحسین آمیز، و مانند اینها که همگی دین را به محلی را بوجود می آورند.

موضوعات جدید برای تحقیقات اسلام شناسی در نتیجه این مسائل و مباحث روش شناختی

این پسوند یا صفت «اسلامی» معمولاً نشانگر مطابقت بین سنت فرهنگی و دینی قدیمی تر و راه حل‌های پیشنهادی برای حل مشکلات کنونی است.

اسلام، عمل سیاسی و رفتار اجتماعی و اقتصادی پس از دوره حاکمیت غرب که در طول آن تجلی سیاسی اسلام غالباً غیر ممکن بود، بار دیگر اسلام وارد صحنه شده است به ایفای نقش‌های سیاسی متعددی که از برخی جهات محافظه کارتر و از برخی جهات مشرقی‌ترند. پردازد، که معمولاً ایفای این نقش را از طریق تصویر مرجعیت و اقتدار کسانی که در شریعت و فقه اسلامی تربیت یافته‌اند (علماء) تحقق می‌بخشد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که: امکانات و محدودیت‌های اسلام در زمینه استفاده و سوء استفاده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کدامند؟ اسلام نظام‌های اقتصادی گوناگونی (حتی شکلی از سرمایه داری) را آنگونه که ماکسیم رودنسون (۱۹۶۶) اثبات کرده است، باز دانسته است. اکنون می‌توان پرسید که نحوه ارتباط مثبت یا منفی اسلام با رشد و توسعه اقتصادی چیست و اسلام چگونه به تعیین ارزش‌های اساسی رشد اقتصادی که باید تابع چارچوب اسلامی باشد می‌پردازد؟ اینکه اسلام دینی است که اساساً با شیوه زندگی ارتباط دارد، مطلبی است که اخیراً دوباره بر همگان آشکار گردیده است، برای مثال می‌توان به ظهور مجدد حجاب اسلامی و پسا تجلیات همبستگی مسلمانان سراسر جهان اشاره کرد.

تفسیر اسلام توسط خود مسلمانان در سیر تاریخ مطالعات اسلامی خطاهای

جدی هرمنوتیکی، یعنی خطاهای تفسیری، پدید آمده است. برای مثال، پژوهشگران غربی گرایش به مادی کردن اسلام (تفسیر مادی و غیر معنوی اسلام) داشتند و فراموش می‌کردند که اسلام «فی نفسه» وجودی ندارد، بلکه همواره در قالب «تفسیری» که از آن می‌شود تحقق می‌یابد، و مسلمانان که این روند تفسیر اسلام را ادامه خواهند داد باید به سخنانی که نویسندگان مسلمان، گویندگان، گروه‌ها و نهضت‌های اسلامی در موقعیت‌های مختلف اظهار می‌دارند توجه بیشتری مبذول گردد تا صرفنظر از تفسیرها و توجیحات تحمیلی خارجی به مقاصد واقعی آنان پی برده شود. همکاری با محققان مسلمان در انجام تحقیقات، در اینجا نیز مانند بسیاری از رشته‌های دیگر لازم و ضروری است.

تأثیر متقابل و شکل‌گیری تصورات شاید این خود یکی از نشانه‌های تجدید حیات اسلام باشد که اسلام دیگر به عنوان یک فرهنگ سنت و دین منزوی که تحت تأثیرات خارجی واقع شده مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد، بلکه توجه محققان بیشتر به گسترش اسلام و فرآیند ارتباط متقابل آن با جوامع دیگر و تصورات مسلمانان از جوامع دیگر و بطور کلی جهان غیر اسلامی معطوف شده است. این گونه سنت‌گیری در مطالعه و تحقیق نخستین بار توسط محققان غرب تباری مانند آلبرت هورانی، عبدالله لارویی، و دیگران آشکار شد و همچنین با انتشار کتابهایی مثل کشف اروپا توسط مسلمانان (۱۹۸۲)، اثر برنارد لوئیس<sup>۹۵</sup> و کتاب گفتگوی اروپا و اعراب: روابط بین دو فرهنگ (۱۹۸۵) که ویراسته دوك هسپوود<sup>۹۶</sup> می‌باشد، هویدا تر گشت.

گشودن این حوزه از مطالعات، پیامد پذیرش و به رسمیت شناختن اسلام به عنوان یک شریک و همکار مستقل در روابط دینی و فرهنگی بین‌المللی است که بنوعی خود با روابط و پیوندهای سیاسی نیز ارتباط می‌یابد.

پیدایش جوامع اسلامی قابل توجهی که اخیراً در برخی جوامع غربی در کنار اکثریت غیر مسلمان زندگی می‌کنند، احتمالاً کشورهای امریکای شمالی و اروپای غربی را در مورد نقش ادیان و فرهنگ‌های متعدد در زندگی روزمره حساس‌تر ساخته است.

دین پژوهی در جوامع مسلمان

دین پژوهی به عنوان کانون مطالعات اسلامی در آثار ویلفرد کتول اسپیت، بخصوص کتابش بنام درباره شناخت اسلام (۱۹۸۰) توجه چشمگیری را به خود جلب کرده است. مسأله مهم معرفت‌شناختی در مطالعات اسلامی، ظاهراً هنوز همان مشکلی است که به ربط بین مقولات علمی مانند توصیف، تحلیل، تفسیر و مطالعه کافی، مفهوم‌سازی و ترجمه اطلاعات خام درباره واقعیت‌های اسلامی مربوط می‌شود. از آنجا که اسلام دقیقاً مانند یک متن واقعی، عمل یا حتی آرمان، موضوعی تجربی نیست، شیوه طرح آن و آنچه که «واقعیت» آن تلقی می‌شود، عمدتاً وابسته به مفاهیم و نگرش خاص شخصی پژوهشگری است که درباره آن به تحقیق می‌پردازد. بنابراین کاملاً منطقی است اگر بگوییم که بکارگیری مجموعه خاصی از مفاهیم و نگرش‌ها موجب انکار «واقعیت» اسلام شده یا حداقل به نفی امکان شناخت عالمانه چنان واقعیتی خواهد انجامید. معنای این سخن آن نیست که چنین موضعی راه را بر انجام هر گونه تحقیق مهمی در مطالعات اسلامی می‌بندد، بلکه مقصود این است که در چنین موردی مفهوم «اسلام» به لحاظ علمی معنای اندکی بروز خواهد داد. پس رهیافت دین‌شناسی ما در حوزه مطالعات اسلامی چگونه باید باشد؟ نقطه شروع تحقیقات ما باید توجه به این واقعیت باشد که اسلام همواره با اشخاص، جوامع و امت اسلامی در مقیاس وسیعی مرتبط است. در حالی که متون، بناهای تاریخی، اعمال اجتماعی و غیره چه مقدس و چه دنیوی، وجود فی نفسه دارند، اما در مورد اسلام چنین نیست، بلکه اسلام قبل از هر چیز به عنوان معنایی در ذهن مردم چه مسلمان و چه بیگانه از اسلام (که شامل اسلام شناسان غیر مسلمان نیز می‌شود)، وجود دارد.

به هر حال، معنای ذهنی هر اطلاعات خاصی، برای افراد مختلف، متفاوت خواهد بود، به تعبیر انتزاعی تر شاید گفت که معانی دینی، اموری ذاتی و چسبیده به واقعیات معینی نیستند. اگر ما علاقه مند به کسب چنان معانی ای باشیم، مطالعه دقیق عالمانه جنبه‌های دینی اسلام ما را از بکارگیری تعبیرات کلی و طرز بیان و اصطلاحات غربی مانند دین، جهان بینی، ایدئولوژی، ایمان و غیره باز می‌دارد، و در عوض باید به آن اطلاعاتی که برای گروه‌های مسلمان



حائز اهمیت است یعنی اطلاعاتی که می توان گفت دارای ارزش علائمی یا نمادین برای مسلمانان است توجه کنیم.

شاید بتوان گفت که اسلام به عنوان یک دین، به معنای دقیق این کلمه، شبکه ای از علائم و نشانه ها یا یک نظام نشانه شناسی است که هنگامی که این نشانه ها درونی و معنوی شوند به نماد<sup>۹۷</sup> تبدیل می شوند. در واقع اسلام عبارتست از واکنش بشری درست در برابر آیات یعنی نشانه ها (که گاهی به نمادها<sup>۹۸</sup> نیز ترجمه می شود) که در قرآن، طبیعت و تاریخ به آدمیان عرضه شده اند. آیه ، نقطه ارتباط و اتصال وحی الهی با عقل بشری است. از مسلمانان خواسته شده است که با بهره گیری کامل از عقل به نتیجه گیری درست از آیات برای زندگی دنیوی خود و زندگی و نظم جامعه و رسیدن به نعمت ابدی بپردازند. از مسلمانان خواسته شده که تسلیم اراده خداوند باشند که آیات را فرو فرستاده است و از خواسته های او بدانگونه که به آنها ابلاغ شده اطاعت کنند. آنان باید دیگران را نیز به پیروی از آیات و شناخت آنها دعوت کنند. آنان باید پیش از هر چیز قرآن را به عنوان آیه ای که به بشریت وحی شده است بشناسند. دین به معنای اسلامی آن عبارتست از ایمان (به خدا) و شناخت آیات (خداوند) و روش زیستن مطابق با این نگرش.

این تفسیر ما تا آنجا که با نگرش اسلامی از دین مطابقت داشته باشد، از خلط آن با مفاهیم رایج غربی که بخشی از آرمانها، دیدگاهها، اپیدئولوژی ها و ادبانی هستند که به اعتقاد مسلمانان از اساس با اسلام بیگانه و مغایرند، جلوگیری خواهد کرد. این رهیافت (به اسلام) همسان با علاقه محوری مسلمانان به کشف معنای جهان، انسانیت و جامعه بوده و از طریق مطالعه آیات که زمینه را برای رسیدن به معنا، سمت گیری و هدایت فراهم می آورد، به کشف قواعد رفتار درست و تفکر صحیح نیز منجر می شود. مطالعه اسلام به عنوان شبکه ای از آیات، ابزار انتقال دائمی از معنای دینی پدید خواهد آمد که به رغم شرایط متغیر و مکانی و زمانی، ارتباط بین مسلمانان را میسر خواهد ساخت. با نگرش به اسلام به عنوان نظام ارتباطی<sup>۹۹</sup> و یک نظام علائمی دینی ما از افراط در تفسیر مادی اسلام (و همراه آن از افراط در

جستجوی تفسیر ابدی برای آن) پرهیز خواهیم کرد، همچنین از افراط دیگری که عبارت از انکار انتساب هرگونه واقعیت غیر مادی به اسلام است نیز اجتناب خواهیم نمود.

پادشاهت حاروی نوشت ما

این مقاله ترجمه تقریبی مقاله انگلیسی Islamic Studies باشد که توسط ژاک وایه ترجمه نوشته شده و در ماهنامه اسلامیات لندن در شماره اردیبهشت ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. گفتم است که این مقاله حاوی برخی نکات نفیست مریضانه اسلام و این بهتر کلی است مانند نظر اسلام بر بویا سرمایه داری یا مطلق که مریضانه ایست بیعت حقیقت دین اسلام است و بویا ای شکایت دیگری که از نظر دین این سطوح مختلف نفیست در غیر نقل ترجمه است اما آنجا که در ترجمه طبعی رعایت نکات در نقل مطالب دیگران یک اصل پاینده است و فرض اینجاست از ضمن اطلاع بستن به مقالات داخلی و خارج از دین و آنگاه با معنای دانشجویمان با نگاه ازین سطحیات اسلام شناسی، هر سوره شده همان این مقاله و دیدگاههای اسلام شناسان غربی دیده است. لذا هر ترجمه مطالب سرآمدات نکات نمودم و چیزی از دیدگاههای مؤلف مقاله یا حذف نگردیدم هر چند که خود با برخی از گفته های نویسنده ناسازگار بودم من به روح که در فرضی دیگر با هر ضمن مقاله حاروی فکر خود به نظر برخی از این دیدگاهها پیوسته اما در مجموع این مقاله حاوی تازه ترین و آسین اطلاعات مریضانه اسلام شناسی در غرب است و از نظر روش شناسی سطحی می تواند از بویا ای جهات برای معلمان و محققان و دانشمندان ما بسیار الهام بخش و سودمند باشد و ما را با دیدگاههای جدیدی در دین شناسی آشنا سازد. مصیبت این نکات و تفسیر شده ماه به شناخت دیدگاهها و نظریه های دیگران مریضانه دین و زندگی ما را و فریبگاران و کسوف کننده و بدشگور سطحیات اسلامی و نیز گداز مریضانه اسلام شناسی هر جلسه ما انگیزه ای شد که به ترجمه این مقاله دست بیاوریم.

سید که رامگانا و صبرت کسوز باشک

- 1- Islamica
- 2- Normative
- 3- Fathy
- 4- Peter de venter
- 5- Chry
- 6- Robert Kerton
- 7- Fakhriyanant
- 8- Akbar Sefid
- 9- De religio Mohammedica
- 10- Textual Criticism
- 11- George Weil
- 12- William Muir
- 13- Aloys Sprenger
- 14- Theodor Noldeke
- 15- Alfred Von Krenner
- 16- Orientalism
- 17- Philology
- 18- Hefizi Wachtstein
- 19- Claid Kahn
- 20- Bernard Lewis
- 21- Ignatz Goldziher
- 22- Helmut Wilsen
- 23- Carl Heinrich Becker
- 24- Jurg Kraemer
- 25- Gustav Edmund von Grunbaum
- 26- Marshall G. S. Hodgson
- 27- Charles J. Adams
- 28- Heber Ortner
- 29- Fritz Buhl
- 30- Tir Andae 31- Montgomery Watt
- 32- Maxime Rodinson
- 33- Alfred Guillaume
- 34- E. s. schwarz
- 35- George sale
- 36- Preliminary discorse
- 37- Richard Bell
- 38- A. J. Arberry
- 39- Marnachke pickthall
- 40- Arthur giffery
- 41- Karl pamt
- 42- Angelika Neuwirth

- 43- John Wansborough
- 44- Semaitic
- 45- Toshihiko Inoue
- 46- Helmut Gagne
- 47- Mohammed Arkoun
- 48- Joseph schacht
- 49- Paul Sezgin
- 50- F. H. A. Meynell
- 51- Suseck Hergroenge
- 52- Edward Sachse
- 53- Gottlieb Bergstrasser
- 54- J. N. D. Anderson
- 55- J. A. Cowan
- 56- A. g. Wessick
- 57- Georges Anawati
- 58- Louis Gardet
- 59- Apologite
- 60- Harry a. Wolfson
- 61- Richard M. D. French
- 62- J. R. T. M. peira
- 63- T. J. deBoer
- 64- Richard Walter
- 65- Henry Corbin
- 66- Heine Hahn
- 67- Reynold A. Nicholson
- 68- Louis Massignon
- 69- Anwarul Karim
- 70- J. Spencer Trimingham
- 71- F. de yong
- 72- K. A.C. Creswell
- 73- Richard Ethingham
- 74- vlog Gruber
- 75- Robert Hildenbrand
- 76- H. A. R. Gibb
- 77- Harold Bowen
- 78- Nikkii . Koddie
- 79- A. C. Erbe
- 80- Michael Glusman
- 81- Ernest Gellner
- 82- Edward A. Wiesenmark
- 83- Radulf Krie
- 84- Hebert Kisa - Heinrich
- 85- Klaus E. Miller
- 86- Constantin jurkewicz
- 87- Clifford Geertz
- 88- Jacques Berque
- 89- Lois Beck
- 90- Wilfred Cantwell smith
- 91- Werner Ende
- 92- Mo Steinhilber
- 93- Patricia crane
- 94- Michael Cook
- 95- Bernard Lewis
- 96- Denk Hogwood
- 97- Sybil
- 98- Communicative

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم